

معنای لغوی شفاعت:

کلمه ی شفاعت از ریشه ی ثلاثی « شفع » می باشد . شفع در اصل به معنای زوج و جفت آمده است. ۱.

همچنین راغب شفع را در حالت مصدری به معنای «پیوستن و ضمیمه شدن چیزی به همانند خود» می داند . ۲

بنابراین شفع و شفاعت ، هر دو مصدرند به معنای منضم چیزی به چیزی ، و شفاعت ، بیشتر در مفهوم پیوستن به دیگری به منظور درخواست یاری دیده می شود ، و معمولاً انضمام به کسی مورد نظر است که از نظر حرمت و مقام ، بالاتر از شفاعت شونده است، و شفاعت در قیامت به این معنا می باشد ۳.

نگاه قرآن به شفاعت

کلمه ی شفاعت و مشقات آن در حدود سی بار در آیات قرآن دیده می شود ، (البته در مواردی هم بدون کاربرد این ریشه به شفاعت اشاره شده است.)

این آیات در چند دسته قابل بررسی است : ۴

۱- آیاتی که به طور مطلق شفاعت را نفی می کند ، مانند : و لا یقبل منها شفاعة ... (بقره ۴۸) ۵ یوم لایع فیه و لاخلة و الاشفاعة ... (بقره ۲۵۴) ۶

۲- آیاتی که شفیع را منحصرأخدا معرفی می کند ، مانند : ما لکم من دونه من ولی و لاشفیع ... (سجده ۴/۷) قل لله الشفاعه جمیعاً (زمر ۴۴) ۸

۳- آیاتی که شفاعت را مشروط به اذن و فرمان خدا می کند، مانند : من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه (بقره ۲۵۵) ۹ و لا تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له (سبا/۳۳) ۱۰

۴- آیاتی که شرایطی را برای شفاعت شونده بیان کرده است ، مانند : و لا یشفعون الا لمن ارتضى (انبیا ۲۸) ۱۱

با توجه به آیات فوق موارد زیر حائز اهمیت و توجه دقیق است:

۱ پاداش الهی به بندگان ، دارای درجات متعددی بوده که بالاترین آن مقام قرب خودش می باشد.

و لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَ لِيُؤْفِقَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ . (احقاف/ آیه ۱۹) ۱۲

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (فجر / ۲۷ تا ۳۰) ۱۳

۲ با توجه به رحمت و اسعه الهی و لطف خاصی که به بندگان دارد ، چشم پوشی از بسیار خطاهای آنها ، در صورت حق الناس نبودن ، امر مسلمی بوده (نَبِيٌّ عِبَادِي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) (حجر / ۴۹) ۱۴ و اینجاست که جهت جبران کمبودها و کسریهای اعمال آنها ، هم گروه شدن و پیوستن به پیامبر را جهت ورود به مقامات بالاتر را جایز دانسته است . (شفاعت) (وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا) (نسا / ۶۴) ۱۵

۳ برای چنین پاداش عظیم ، شرط اول ، رضایت خداوند از بنده اش می باشد . (لا يشفعون الا لمن ارتضى) (انبیا ۲۸)) ۱۱ و این نیز به اعمال خود شخص و بازرسی خود خداوند مربوط می شود . (و لا يقبل منها شفاعة ...) (بقره ۴۸/ ۵) یوم لابیغ فيه و لاخله و لاشفاعة ... (بقره ۲۵۴/ ۶)

۴ پس از آن که خداوند از بنده اش اعلام رضایت کرد ، به شفیعیانی مثل پیامبر(ص) اجازه می دهد تا او را در گروه خود سازماندهی کرده و همراه خود به محفل انس الهی وارد نمایند و کسی حق شفاعت جداگانه و درخواست از خدا برای این کار را ندارد . (من ذاالذی یشفع عنده الاباذنه) (بقره ۲۵۵/ ۹)

نتیجه:

خداوند در قیامت به سبب کارهای نیک افراد و رحمت و اسعه خود ، بسیاری از خطاهای آنها را بخشیده و پس از راضی شدن از آنها ، به پیامبر(ص) اجازه هم گروه کردن آنها را با خود می دهد.

بنابر این در بدو امر و بی مقدمه ، هیچ درخواست شفاعتی نه توسط شخص بنده و نه توسط شخص شفیع ، مورد پذیرش خداوند واقع نخواهد شد.

استغفر لهم او لا تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم ذلك بانهم كفروا بالله و رسوله و الله لا يهدي القوم الفاسقين (توبه ۷۹ و ۸۰) ۱۶

و در یک کلام:

و تنها چیزی که بنده را (اعم از رسولان و مردمان عادی) نزد خدا مطمئن می کند ، اعمال او در دنیا و رحمت واسعه الهی است.

رسول اکرم (ص) در خطبه ای که در اواخر عمر شریفشان برای مسلمین ایراد فرمودند ، این نکته را گوشزد فرمودند که برای نجات و رستگاری ، دو عامل و دو رکن اساسی وجود دارد : عمل و رحمت.

ایها الناس انه ليس بين الله و بين احد نسب و لا امر يؤتیه به خیرا او یصرف عنه شرا الا العمل ، الا لا یدعین مدع و لا یتمنین متمن. و الذی بعثنی بالحق لا ینجی الا عمل مع رحمة ، و لو عصیت لهویت . اللهم هل بلغت ؟ ۱۷

"ای مردم ! بین خدا و هیچکس رابطه خویشاوندی نیست و هیچ رابطه دیگری هم که موجب جلب منفعت یا دفع ضرر شود وجود ندارد جز عمل . بنگرید ! هیچکس ادعای گزاف نکند ، هیچکس آرزوی خام در دل نپرورد.

قسم به خدایی که مرا به راستی برانگیخت چیزی جز عمل توأم با رحمت خدا سبب رستگاری نمی گردد ، من خودم هم اگر گناه می کردم سقوط کرده بودم " . آنگاه فرمود : " خدایا تبلیغ کردم ؟

و یا توصیه پیامبر(ص) به دختر عزیزش فاطمه (س):

«یا فاطمه اعملی بنفسک انی لا أغنی عنک شیئا. »

دخترکم خودت برای خودت عمل کن . من به درد تو نمی خورم و از انتساب با من کاری ساخته نیست . ۱۸

محمد صالحی

زیر نویسها:

۱ -فراهیدی ،خلیل بن احمد، العین، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲ -راغب اصفهانی، مفردات، ج ۲، ص ۴۷۵.

۳ -راغب اصفهانی، مفردات، ج ۲، ص ۴۷۵.

۴ -با استفاده از : تفسیر نمونه ج ۱ ص ۲۲۶، هزار و یک نکته از قرآن کریم (اکبر دهقان) ص ۲۴۹.

۵ ... و از او شفاعتی پذیرفته نشود.

۶ ... -روزی بیاید که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی و نه شفاعتی.

۷ -غیر از او هیچ یاور و شفاعت کننده‌ای نیست.

۸ -بگو شفاعت همه‌اش از آن خداست.

۹ -کیست آن که جز به خواست و فرمان او نزد وی شفاعت کند؟

۱۰ -و نزد خدا شفاعت سودی ندارد، مگر از کسی که به وی اجازه آن داده شود.

۱۱ -شفاعت نمی کنند مگر کسانی را که خدا از آنان راضی شود.

۱۲ -و برای هر یک از انسانهای نامبرده درجاتی است از پاداش و کیفر اعمالشان . پروردگارشان خود اعمالشان را به ایشان بر می گرداند تا ظلمی به ایشان نشود.

۱۳ -ای نفس اطمینان یافته و با ایمان ، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت باز گرد ، و به صف بندگان من وارد شو و به بهشت من در آی.

۱۴ -به بندگانم خبر ده که من آمرزنده و مهربانم.

۱۵- ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاشتند)، به نزد تو می‌آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می‌کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.

۱۶- چه برای آنها استغفار کنی و چه نکنی ، تاثیری ندارد ، حتی اگر هفتاد بار برای آنها، استغفار کنی خداوند آنها را نمی‌بخشد ، چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند و خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند.

۱۷- شرح ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۸۶۳

۱۸- حکیمی ، محمد رضا ، ۱۳۷۰ ، الحیاه ، ج ۲، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی